



۲۰۱۴/۰۸/۱۸



م، نعیم بارز

## سطحی نگری و اندرز اخلاقی، پوهنوال اسمعیل یون تخریب کننده است!

چه شده است که دوکتور اشرف غنی احمد زی، این مرد دانشمند شماره دوم دنیای امروز با تجربه ای چندین ساله اش که به تصور پوهنوال اسمعیل یون وعده دیگری بیک بارگی فهم و عقلا نیت آن غرق در بحران انتخابات ریاست جمهوری شده است، که از آن طریق به خواست ها و آرامان های روشنفکرانه شان دست نیافته و در اوج مایوسی به گله و شکوه و تناقض گویی پرداخته اند؟ آیا گاهی فکر کرده اند که رویداد ها و بحران های اجتماعی صرف با دانش یک جانبه فردی و به دلخواه یک طرف قضیه پیش نمی رود، چرا نمی بینند که پای منافع متضاد فردی و گروهی در میان است که منجر به ایجاد بحران شده و رهائی از بحران انتخابات ریاست جمهوری افغانستان نه تنها نیاز به حمایت آگاهانه و صادقانه مردم کشور دارد بلکه کمک جامعه ملل را نیز می طلبد، زیرا از تقریباً نیم قرن بدینسو جنگ و بحران های کشور را نمی توان کاملاً قضایای داخلی دید و یا همه رویداد ها را به قدرت های خارجی حواله نمود.

پس از سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ تا کنون نقش سه جانبه در امور دولت افغانستان کاملاً مشهود است:

- \* نقش قدرت های بین المللی در رأس دولت ایالات متحده امریکا.
  - \* جناح جنگسالاران یا تنظیم های جهادی بلاخص شورای نظار.
  - \* رئیس جمهور کززی با جمعی از عناصر مختلف که خود به تدریج آنها را شامل قدرت نموده است.
- با ذکر این مختصر باید پرسید آیا کسانی که در همچو موارد مهم به داوری می پردازند جوانب دخیل در قضیه را مد نظر می گیرند یا اینکه با گذشت سیزده سال باز هم برای تسکین بخشیدن دل پر درد شان به جای حامد کززی یک نفر دیگری را بنام اشرف غنی احمد زی پیش انداخته اند؟

من از ترجمه دری نوشته پشتوی پوهنوال اسماعیل یون عنوانی دوکتور اشرف غنی که از سوی محترم آقای مایار که یک شخصیت ملی و وطن دوست شناخته شده اند مقصد شان را از ترجمه مقاله مذکور درست نفهمیدم که آیا با درکی از موضع صحیح آقای یون زحمت ترجمه وی را از پشتو به دری بر خود هموار کرده اند و یا به خاطر افشای نظرات نادرست او و جلوگیری از تأثیر منفی آن در میان بعضی افغان هایی که بجای سیاست علمی بیشتر به سخنان عاطفی عوام پسند اهمیت می دهند؟

قبل از پرداختن به نوشته آقای اسمعیل یون باید گفت در مقدمه نوشته مذکور از کلمه «وثیقه ملی» یاد شده است در حالیکه اصطلاح وثیقه ملی معمولاً در مورد قانون اساسی بکار می رود که به وسیله لویه جرگه تدوین، تصویب شده و به توشیح رئیس جمهور رسیده است.

بهر حال نکات چندی از نوشته پوهنوال اسماعیل یون را مختصراً به بحث می گیرم تا خوانندگان محترم خود به حقانیت و یا عدم حقانیت آن بیا ندیشند:

■ صفحه ۱- پراگراف سوم خطاب به دوکتور اشرف غنی احمد زی، چنین آمده است: « شما که بیشتر و بلند تر از دیگران در برابر فساد و زورگویان قدرت، گلو پاره می کردید بیشتر و زودتر از دیگران به تهدید های جنگ سالاران شانه خم نمودید».

تبصره: این را همه خواهند پذیرفت که در جامعه افغانی هنوز اکثریت قاطع مردم از هر لحاظ در مبارزات سیاسی اجتماعی به روش های دیموکراتیک آشنائی و آمادگی لازم را ندارند. به این لحاظ باید حد اقل یکی دو دهه دیگر جنجال انتخابات ریاست جمهوری را مدنظر داشته باشیم. زیرا لیست های رأی دهی نشان می دهد که در چنین وضعیتی انگیزه های قومی بر افکار و روابط انسانی مسلط است، حتی نخبگان جامعه برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری چندان بر قانون و حقوق اساسی مردم احترام قایل نیستند و مردم هم، از دیموکراسی چیزی نمی دانند.

احساسات بر عقلا نیت و بر واقعیت ها غالب است. لذا به نظر من دوکتور اشرف غنی برای جلوگیری از جنک و خونریزی و حفظ تعادل قدرت در دولت و جامعه روش درستی را تا حال دنبال نموده است.

■ ص ۱ - پراگراف ۴ سطر آخر: «افسوس به حال ملتی که رهبران سیاسی شان مصاب به چنین وبای مرض خطیر مصلحت باشند.»

تبصره: نمی دانم چه جای افسوس است، داکتر عبدالله عبدالله و داکتر احمد زی از میان همین ملت افغان و با رأی مردم تبارز یافته اند. مصلحت اندیشی و گذشت برای حفظ نظم جامعه رکن اساسی در سیاست است، و بالعکس تمامیت خواهی و درگیر جنگ شدن جهل و بدویت انسان می باشد.

■ ص ۲ پراگراف ۲ می نویسد: «شما که بیشتر از دیگران تأریخ مطالعه کرده اید، آیا نیروی ملت بیشتر است یا نیروی جنگ سالاران؟»

تبصره: پوهنوال یون از کجا و بر اساس کدام احصائیه و معیار می داند که اشرف غنی بیشتر از دیگران تأریخ مطالعه کرده؟ و اینکه پرسیده اند نیروی ملت بیشتر است یا نیروی جنگ سالاران؟ باید بدانند که در مبارزات سیاسی میلیون ها انسان غیر متشکل و سازمان نیافته زیاد به حساب نمی آیند اما حتی یک گروه کوچک تشکل یافته و مصمم در مبارزه می تواند بر میلیون ها آدم تسلط یافته و حاکمیت نماید، این را تأریخ تمام کشور ها نشان می دهد.

■ صفحه ۳ پراگراف آخر ملاحظه شود که: همه صحبت آقای یون گله، گذاری و درد خرچ از جیب خود و به نمایندگی از مردم شکوه کردن است.

■ ص ۴- پراگراف ۱ نوشته شده: «خطاب به احمدزی، شما در همان روز کمپاین فرموده بودید که طی ۱۰۰ روز اول حکومت خویش برای تان امتحان می دهم، اگر پارچه امتحان خراب بود ناکام کنید.»

تبصره: عجیب است که از یک استاد پوهنتون، انسان چنین حرف های می خواند زیرا هنوز دعوی برد و باخت معلوم نشده مثلیکه شاگرد یک روز در صنف داخل شده و یک سطر درس نخوانده، استاد در خانه اش به فکر امتحان بوده و از امتحان صحبت کند.

■ ص ۵ پراگراف ۲: «برای نجات ملت باید تلاش کنید، یکی از راه حل های نجات ملت آنست که بعد از معلوم شدن نتایج شفاف انتخابات و تائید همگانی بر فراز کوه بلندی رفته و پیام تان را به سمع ملت و جهانیان برسانید و تائید کنید که شما برای مقام و چوکی مبارزه نکرده اید. بگوئید که من برای آسایش این ملت تلاش نموده ام. ملت من از حکومت جنجال بر انگیز ائتلافی و ماهیت آن خاطره خوش ندارد.»

تبصره: با این رهنمود، وای بحال بیچاره دوکتور اشرف غنی که با آن تن خسته پر پرواز سیمرخ ندارد که به بلندای کوه برود. از طریق تلویزیون ها دیدیم که بیچاره هر بار برای سخن گفتن چقدر بر خود فشار می آورد، دست هایش را به چپ و راست می برد، پنجه هایش را بهم گره می زند و به سختی باز می کند تا از گلپوش حرفی بیرون آید. نمی دانم با اینحال فرمایش استاد یون را چگونه به مردم برساند و بگوید: (ای مردم شریف ببخشید که شما را روز ها و ماه ها با خیال رساندن به نیاز ها و خواست های تان در انتظار گذاشتم، شما را به پای صندوق های رأی دهی فرا خواندم پنجه های تان بریده شد در تفتیش و جدا سازی رأی های تقلبی از غیر تقلبی روز ها در میان دو تیم دعوی و بر خورد های خونینی درگرفت تا اینکه بالاخره مقام ریاست جمهوری افغانستان بر من تعلق گرفت. تشکر از شما ولی چون می خواستند داکتر عبدالله را در قدرت به حیث شریک بر من تحویل نمایند، من که تمامیت خواه هستم و شما هم که نمی خواهید کسی در قدرت بامن شریک شود، پس همه چیز را رها کردم به عبدالله جان؛ می روم به خانه خود آفت نرسد گوشه تنها را... بدینترتیب به تصور اسمعیل یون شاید کف زدن های ممتد مردم مملکت را به لرزه در خواهد آورد و آنگاه همه به مقصد رسیده و خوشحال خواهند شد!!

■ ص ۵ در اینجا آقای اسمعیل یون خطاب به دوکتور اشرف غنی می نویسد: «بگوئید که من برای آسایش این ملت تلاش نموده ام ملت من از حکومت جنجال بر انگیز ائتلافی و ماهیت آن خاطره خوش ندارد، از آن متنفر است. اگر این حکومت ائتلافی تحت هر نامی خواه (حکومت وحدت ملی، دولت اسلامی، جمهوریت دیموراتیک و یا نام دیگر باشد) ولی ماهیتاً ائتلافی باشد نه دوامی دارد و نه ملت آنرا می پذیرد. بهترین راه حل آنست که داکتر صاحب عبدالله طبق قانون انتخابات شما را منعیث رئیس جمهور پذیرفته و خود سمت زعامت کرسی اوپوزیسیون را متقبل شود و شما به مردم وعده بدهید و تعهد نمایند که در حکومت خویش هر گاه جامعه جهانی و داکتر عبدالله بر نام (حکومت وحدت ملی) اصرار ورزید پس یک جرئت اخلاقی کنید و تمام حکومت را برای عبدالله رها کنید و خود با جمعی از افراد وفادار خویش به اپوزیسیون بروید و حالی کنید که علی الرغم برنده شدن در انتخابات شوق و میل چوکی را ندارید و همانگونه که به عبدالله برادر خطاب می کنید بگذارید برادرت حکومت کند و این کار عبدالله است که چگونه می تواند حکومت کند و کار جامعه جهانی است که چگونه به آن دوام می دهد.»

تبصره: چه ساده انگارانه می فرمایند. از جانب ملت طوری سخن می زند مثلیکه ملت یک فرد باشد و جناب اسمعیل یون با مشوره و دریافت مواضع وی یعنی ملت ابراز نظر می نماید چنانکه می گوید: «ملت از حکومت جنجال برانگیز خاطره خوش ندارد» اما مساله حکومت ائتلافی و یا هر نوع حکومت دیگر چیزی نیست که یک فردی به دلخواه خود آنرا قبول و یا رد نماید و اگر کسی از جنجال هایش می ترسد و حوصله اش را ندارد بهتر است سیاست نکند و آرام در خانه خود بنشیند.

د پاپو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

جناب یون! بخشیدن مقام ریاست جمهوری به فرد دیگری از صلاحیت یک فرد نیست که به خاطر جنجال هایش و خاطره خوش نداشتن آنرا به فرد دیگری واگذار نماید. اگر داکتر اشرف غنی، داکتر عبدالله را برادر خطاب می کند ولی پست ریاست جمهوری مال میراث پدر شان نیست که حق بخشیدن آنرا یکی به دیگری داشته باشند.

■ ص ۵ و ۶ : «راه سوم نیز وجود دارد و آن اینکه شما و داکتر عبدالله با هم موافقه نمائید و بگوئید که حکومت وحدت ملی می سازید ولی شرط اساسی آن باشد که نه اعضای تیم شما و نه اعضای تیم داکتر عبدالله هیچ مقام عادی و عالی حکومتی را احراز نه نمایند. از میان قاطبه ملت برای حکومت چنان اشخاصی را انتخاب نمائید که لیاقت داشته باشند و هم با یکی از این تیم ها در ارتباط نباشند.»

تبصره: اینجا دیگر عقل فوران می کند: چگونه قبول کرد کسانی مثل جنرال عبدالرشید دوستم و حاجی محمد محقق و صد ها نفر اعضای هر دو تیم که به امید دست یابی به قدرت اینها را تا آخر پله قدرت رسانده اند، به آنها بگویند، برادران و دوستان شما تا حال در دست های ما چون صابونی بودید حالا کار خلاص شد صابون کالا را پاک کرد بر گردید تا پنج سال دیگر در خانه های تان منتظر باشید.

پوهنوال اسماعیل یون استاد هر رشته ای باشد خیر اما خدا کند استاد در رشته جامعه شناسی و علوم حقوق و سیاست نباشد. در مورد اشعاری که استفاده شده نا گفته نماند که برای زیبایی کلام و بیان فشرده می توان از شعر در سیاست نیز استفاده کرد مگر در دنیای امروز که سیاست به علم بسیار مهم مبدل شده با بکار گرفتن شعر نمی توان به مقصد رسید.

پایان

---

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ